

مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال چهل و یکم، شماره پیاپی ۸۲/۳،
بهار و تابستان ۱۳۸۸، ص ۱۵۸-۱۲۷

هنجارهای اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه*

فردوس میریان

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان

Email: fe.mirian@yahoo.com

دکتر محسن صمدانیان

استادیار دانشگاه اصفهان

چکیده

هنجارها و ناهنجارهای اجتماعی از موضوعات مورد بحث در علم جامعه‌شناسی است. در جامعه‌شناسی، "هنجار" قاعده و معیاری است برای رفتار و تنظیم روابط که اکثریت از آن پیروی می‌کنند و عدم پیروی از آن مجازات در پی دارد. از طرفی، هنجارها رفتارهای معینی‌اند که بر اساس ارزش‌های اجتماعی قرار دارند و با رعایت آن‌ها جامعه انتظام پیدا می‌کند. امام علی (ع) ربع قرن پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) و با مشکلاتی که در جامعه اسلامی به وجود آمد، به عنوان رهبر حکومت اسلامی زمام امور را در دست گرفته، به اصلاح امور جامعه پرداختند. کلام علوی در نهج البلاغه به خصوص بخش‌های عمده‌ای از آن که در زمان حکومت و مسئولیت مستقیم ایشان در اداره امور جامعه، ایراد گردیده در این زمینه از اهمیت خاصی برخوردار است.

این مقاله در پی بیان دیدگاه نهج البلاغه و تجزیه و تحلیل هنجارها و ارزش‌هاست تا از این طریق بتوان به راهکارهایی مطمئن جهت تقویت هنجارهای مفید، کنترل ناهنجاری، و تبدیل ارزش‌ها به هنجارهای اجتماعی دست یافت.

معارف نهج البلاغه در این زمینه حاکی از آن است که امام علی (ع) علاوه بر تشویق مردم و ایجاد عوامل و شرایط برای پیروی از هنجارهای دینی، برای حفظ نظم و وحدت در جامعه، به پیروی از هنجارهای مفید اجتماعی توصیه و بر عدم پیروی از هنجارهای مضر و جاهلی آن تأکید داشتند.

کلیدواژه‌ها: امام علی (ع)، نهج البلاغه، جامعه، هنجار، ارزش، سنت.

* . تاریخ وصول: ۱۳۸۷/۱۰/۲۰؛ تاریخ تصویب نهایی ۱۳۸۸/۰۶/۱۰.

مقدمه

از مهم‌ترین نیازهای انسان به عنوان یک موجود اجتماعی، دستیابی به قواعد و راهکارهایی برای رفع مشکلات اجتماعی اوست. هدف اصلی از نزول ادیان الهی پاسخگویی به این نیاز و اصلاح امور جامعه انسانی، جهت رسیدن آن به سعادت و کمال است. اسلام با گذشت مدتی محدود از پیدایش خود، اصلاحات چشمگیری در قبایل عرب انجام داد و با وجود مشکلات و موانع مختلف، تأثیرات عمیقی بر پیشرفت بسیاری از جوامع بشری داشت. به همین دلیل و با توجه به این که اسلام دین کامل و خاتم ادیان الهی است، بالقوه قادر به حل کلیه معضلات فردی و اجتماعی بشر است، بنابراین لازم است محققان مسلمان با توجه به مقتضیات زمان، علوم پیشرفته و اصطلاحات جدید آن، معارف دینی را به زبان روز و به شکل کاربردی بیان کنند.

از ابعاد حائز اهمیت نهج البلاغه، به عنوان تفسیر قرآن کریم و دین اسلام، بعد اجتماعی آن است، زیرا اغلب بیانات امام علی (ع) در این کتاب شریف در شرایطی ایراد گردید که ایشان عهده دار حکومت بوده، به طور مستقیم مسئول رفع مشکلات و اصلاح مفاسد جامعه شدند؛ به همین جهت اقدامات و سخنان حکیمانه آن حضرت در راستای حل معضلات جامعه و پیشرفت آن بوده است.

تألیفاتی در زمینه بعضی از موضوعات اجتماعی نهج البلاغه وجود دارد که بیشتر به کلیات پرداخته‌اند. اکنون به منظور بررسی دقیق‌تر و دستیابی به نتایج بهتر، جزئیات مسائل اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌گیرد.

هنجار در واقع دستورالعمل رفتار اجتماعی است که بیشتر مردم به آن عمل می‌کنند و معمولاً رعایت نکردن آن موجب اعتراض دیگران می‌شود.

هنجارهای هر جامعه بر اساس ارزش‌های آن جامعه شکل می‌گیرد. معمولاً رفتارهای انسان و هنجارهای مربوط به آن در جهت دستیابی به اهداف خاصی است که برای او اهمیت و ارزش دارد و به عنوان مثال، سلامتی یک ارزش است که امور

مربوط به بهداشت و درمان، پاکیزگی محل زندگی، مسواک زدن و غیره برای حفظ این ارزش انجام می‌شود. مراجعه مردم به مراکز بهداشتی در فاصله‌های زمانی منظم برای معاینه فرزندان‌شان و عادت به مسواک زدن هر شب قبل از خواب از جمله هنجارهای مرتبط با سلامتی است. نیز در بین مؤمنان ارزش پیروی از سنت پیامبر (ص) موجب هنجار شدن بعضی از امور مربوط به بهداشت و پاکیزگی است.

از طرف دیگر هنجار شدن یک موضوع خود از عوامل ارزشمند شدن آن موضوع است، مثلاً اکثر ایرانیان در مراسم نوروز لباس نو می‌پوشند. به همین دلیل لباس نو پوشیدن در نوروز از ارزش‌های اجتماعی در ایران است.

ارتباط بین هنجار و ارزش، مسئله‌ای است که بسیاری از دانشمندان به آن وقوف دارند. عده‌ای این دو واژه کنار هم مورد استفاده قرار می‌دهند و هر دو را کم و بیش منطبق بر هم و عده‌ای آن‌ها را متمایز از یکدیگر می‌دانند. بسیاری از مواقع مفهوم هنجار با مفهوم ارزش به طور یکسان و مشابه به کار برده می‌شود (رفیع پور، ۱۳۸۲، ص ۲۷۷).

بر این اساس در این مقاله به تبیین ارزش‌ها نیز پرداخته شده است.

فرازهایی از نهج البلاغه حاکی از این مطلب است که از اقدامات بارز امام علی (ع) در راستای اصلاح جامعه، تبیین ارزش‌ها و تقویت عقیده عمومی نسبت به آن، جهت تبدیل ارزش‌ها به هنجار بود. دیگر این‌که آن حضرت به جهت حفظ نظام جامعه علاوه بر قوانین صریح الهی (هنجارهای دینی) سعی در ایجاد عوامل و شرایط برای پیروی مردم از هنجارهای مفید اجتماعی نیز داشتند.

مطالب این نوشتار شامل دو بخش است: ۱- هنجارهای اجتماعی. ۲- ارزش‌ها

و ضد ارزش‌ها.

۱. هنجارهای اجتماعی

۱-۱- هنجار در لغت و اصطلاح

"هنجار" در ادبیات فارسی به معنی گشتن، گردیدن، راه، و بیشتر راه رسیدن به یک هدف و فضای مفهوم گسترده‌تر آن "راه و روش" است. طرز، قاعده و قانون نیز جزء معانی هنجار است:

ره و هنجار ستمکار همه زشت است
ای خردمند مرو بر ره و هنجارش

(ناصر خسرو) (دهخدا، ۱۳۳۷، ج ۴۹، ص ۳۰۸)

همچنین کلمه ناهنجار در زبان عامیانه که به عنوان یک صفت برای کلمه صدا به کار برده می شود دارای فضای مفهوم "آزار دهنده" و نامناسب است (رفیع پور، ۱۳۸۲، ص ۱۸۵).

هر جامعه یا گروه قواعد، قوانین و آداب و رسوم خاصی برای ایجاد روابط با یکدیگر و انجام امور فردی و اجتماعی خود دارند که به آن "هنجار" می گویند. بر خورد با دیگران، سلام و احوالپرسی، آداب مهمانداری و ازدواج و تقریباً هر کاری که انسان انجام می دهد و به طور مستقیم یا غیر مستقیم به دیگر انسانها مربوط می شود، بر اساس یک نوع "هنجار" خاص است.

در بسیاری مواقع این مفهوم یا به طور مبهم و یا با مفاهیم دیگر (بالاخص با مفهوم ارزش) به طور یکسان و مشابه بکار برده می شود (همان، ص ۱۷۸).

به بیانی دیگر هنجارها عبارتند از مقیاس و قاعده رفتار و تنظیم روابط که اکثریت از آن پیروی می کنند و عدم پیروی از آن مجازات در پی دارد (رفیع پور، ۱۳۸۲، ص ۱۸۵).

آداب و رسوم، عادات، قوانین و مقررات اجتماعی را می توان از اقسام هنجارها

برشمرد.

در مقابل، آنومی (ناهنجاری) وضعیتی است که در جامعه، هنجار معینی وجود ندارد که فرد از آن پیروی کند و او بی‌ریشه عمل می‌کند (ربانی و شاهنوشی، ۱۳۸۵، ص ۸۵).

رفتارهایی که بر خلاف قواعد و مقررات اجتماعی انجام شود و موجب اختلال در روابط و بی‌نظمی گردد رفتارهایی نابهنجارانند.

اصطلاح‌های معادل هنجار در قرآن و روایات

الف- در زبان عربی کلمه "السُّنَّة" در مواردی با کلمه "هنجار" فارسی و "نرم"^۱ انگلیسی معادل است: السُّنَّة: الطَّرِيقَةُ وَ السَّيْرَةُ حَمِيدَةٌ كَانَتْ أَوْ ذَمِيمَةً. سُنَّةَ اللَّهِ: حُكْمُهُ فِي خَلْقَتِهِ وَ سُنَّةَ النَّبِيِّ: (ص) مَا تُسَبَّحُ إِلَيْهِ مِنْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ أَوْ تَقْرِيرٍ (ابراهیم مصطفی و دیگران، المعجم الوسيط، ۱۹۸۹، ص ۴۵۶).

«سنت به معنای راه و روش پسندیده یا مذموم است. سنّة الله حکم خدا نسبت به مخلوقاتش و سنّة النبی شامل گفتار، رفتار و امضاء پیامبر اکرم (ص) است.

در فارسی "سُنَّة" به خوی، طبیعت، روش و طریقه، واجب، حکم، فرمان،

قانون و احادیث نبوی ترجمه شده است (سیاح، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۷۳۹)

کلمات عربی معادل هنجار: سیره، سنّة، طریق مستقیم، طراز و قاعده است.

(تونجی، المعجم الذهبی، ۱۹۹۳، ص ۶۸۴)

مثال‌هایی از قرآن و نهج البلاغه در مورد معانی سنت:

«مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ...» (۳۸/۳۳) «هیچ منعی بر

پیامبر (ص) بر آنچه خدا بر او واجب کرده نیست. این سنت الهی در مورد کسانی که

پیش از این بوده‌اند نیز جاری بوده و فرمان خدا روی حساب و برنامه دقیقی است.»

در این آیه سنت به معنی حکم و امر الهی است. احکام و اوامر الهی هر گاه

توسط جانشینان او در جامعه اجرا شود جزو هنجارهای اجتماعی آن جامعه نیز است.

^۱. norm

"سنت" در قرآن کریم علاوه بر معنی فوق که همان سنت الهی است، به معنای هنجارهای اجتماعی پایدار نیز آمده است: «لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأُولِينَ» (۱۳/۱۵) «آن‌ها به آن ایمان نمی‌آورند. روش اقوام پیشین نیز چنین بود».

کلمه "سنت" در نهج البلاغه به معنای هنجارهای پایدار و نیز اقسام دیگر هنجارهای اجتماعی، آمده است.

«وَلَا تَقْبُضْ سُنَّةَ صَالِحَةٍ عَمَلٍ بِهَا صُدُورُ هَذِهِ الْأُمَّةِ...» (نامه ۵۳/۳۸). «و آداب پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند و ملت اسلام با آن پیوند خورده و رعیت با آن اصلاح شدند بر هم مزین و آدابی که به سنت‌های خوب گذشته زیان وارد می‌کند راپدید نیاور».

منظور از سنت در این بخش از سخنان حضرت علی (ع) روش یا سیره ای است که بزرگان امت به آن عمل کردند. البته در بعضی از ترجمه‌های نهج البلاغه مترجم به جای "آداب پسندیده" عبارت "کارهای خوبی که مردم به آن عادات کرده اند" را، انتخاب کرده است، که این‌ها نیز از اقسام هنجارهای اجتماعی‌اند. (زمانی، ۱۳۷۰، ص ۷۷۰)

«وَالْوَاجِبُ عَلَيْكَ أَنْ تَتَذَكَّرَ مَا مَضَى لِمَنْ تَقَدَّمَكَ مِنْ حُكُومَةٍ عَادِلَةٍ أَوْ سُنَّةٍ فَاضِلَةٍ...» (نامه ۱۵۲/۵۳). «بر تو لازم است که حکومت‌های دادگستر پیشین، سنت‌های با ارزش گذشتگان، روش‌های پسندیده رفتگان و آثار پیامبر (ص) و واجباتی که در کتاب خداست را همواره به یاد آوری و به آنچه ما عمل کرده‌ایم پیروی کنی». در این قسمت کلمه "سنة" به "روش" ترجمه شده است.

هر چند موارد استفاده از واژه "سنت" با واژه "هنجار" بعضاً متفاوت است، مصادیق و اقسام یکسان هر دو دلالت بر یکی بودن مفهوم این واژگان دارد و به نظر می‌رسد نزدیکترین کلمه در قرآن و روایات به واژه "هنجار" سنت "باشد، هر چند کلماتی مانند "سیره"، "دأب" و "عرف" هم به بخشی از معنای هنجار دلالت دارند:

ب- سیرتُهُ الْقَصْدُ وَ سُنَّتُهُ الرَّشْدُ وَ كَلَامُهُ الْفَضْلُ وَ حُكْمُهُ الْعَدْلُ (خطبه ۶/۹۴).

راه و رسم او (پیامبر اکرم «ص») با اعتدال و روش زندگی او صحیح و پایدار و سخنانش روشنگر حق و باطل و حکم او عادلانه است.

ج- دأب: شأن و عادت ((كَدَأَبِ آلِ فِرْعَوْنَ ۱۱/۳. فی الحدیث: صلاة اللیل دأب الصالحین ای عادت‌های و شأن‌های)) (یعنی روش و عادت) (طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۷۵، ج ۲ ص ۵۴).

د- "عرف" هم معادل معروف (فعلی که عقل یا شرع آن را به نیکی بشناسد) است و هم به آنچه بین مردم در عادات و معاملاتشان رایج است گفته می‌شود (ابراهیم مصطفی و دیگران، المعجم الوسیط، ۱۹۸۹، ص ۵۹۵)
مرسوم، عادت، رسم و روش واژگان معادل عرف شناخته شده است. عرفی:
عادی معمولی (سیاح، ۱۳۶۸، ج ۲، ۱۰۳۵)

"عرف" به معنای سنن و سیره‌های جمیل جاری در جامعه است که عقلی جامعه آن‌ها را می‌شناسند؛ به خلاف آن اعمال نادر و غیر مرسوم که عقل اجتماعی انکارش می‌کند (که این‌گونه اعمال عرف "معروف" نبوده بلکه منکر است) (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۴۹۷)

«فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ» (۲۳۱/۲) «یا به طرز صحیحی آن‌ها را نگه دارید (و آشتی کنید) یا به طور پسندیده‌ای آن‌ها را رها سازید».
امساک یا تسریح زنان مطلقه می‌بایست متعارف و معقول باشد (همان، ج ۲، ص ۳۳۰).

«وَصَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ فَإِنَّهَا تَقِي مَصَارِعَ الْهَوَانِ» (خطبه ۴/۱۱۰) «و نیکوکاری از ذلت و خواری نگه می‌دارد».

با در نظر گرفتن معنای عرف در قرآن و با توجه به این‌که در این خطبه، امام (ع) مهمترین اعمال واجب و مستحب و آثار و فوائد آن را به طور مختصر بیان کرده و

بعد به نیکوکاری (معروف) اشاره می‌کند، مصادیق معروف می‌تواند شامل هراحسنان و نیکی باشد که انسان نسبت به هموعان خود و با در نظر گرفتن هنجارهای مفید اجتماعی (عرف) انجام دهد. در نهج البلاغه نیکی و نیکوکاری با کلماتی چون «خیر» و «حَسَن» نیز آمده است.

با در نظر گرفتن معنای عرف و معروف در قرآن و نهج البلاغه، می‌توان گفت:
الف- اموری که حکم شرع در مورد آن صادر نشده، با حکم عقل و با شرایط جامعه معروف بودن آن مشخص می‌شود.

ب- "عرف" بخشی از هنجارهای مفید اجتماعی است که ملاک صدور بعضی از احکام شرع قرار می‌گیرد.

ج- منکر، علاوه بر اموری که شرع مقدس بر حرام یا مکروه بودن آن صراحت دارد، بر اموری هم که از نظر عرف (جامعه) مطرود است دلالت می‌کند. «وَأَحْذَرُ كُلَّ عَمَلٍ يَرْضَاهُ صَاحِبُهُ لِنَفْسِهِ وَ «يُكْرَهُ لِعَامَّةِ الْمُسْلِمِينَ» (نامه ۳/۶۹). «از کاری که تو را خشنود و عموم مسلمانان را ناخوشایند است بپرهیز» (در ادامه توضیح بیشتری در باره این مطلب آمده است).

مفهوم معروف و منکر و کاربرد بسیار این دو واژه در معارف دین، و وجوب امر به معروف و نهی از منکر از نظر اسلام، بر اهمیت بررسی و مطالعه هنجارهای اجتماعی دلالت دارد. در این قسمت، اهمیت رعایت هنجارها، انواع هنجار و دیدگاه نهج البلاغه در مورد این موضوعات بیان می‌شود.

۱-۲- اهمیت رعایت هنجارها

تجربه‌ای که در طول حیات جوامع مختلف بشری به دست آمده این است که انسان نمی‌تواند بدون وجود قواعد و قوانین خاص و پیروی اکثریت جامعه از آن، به زندگی اجتماعی خود ادامه دهد. هر چند در یک گروه یا یک جامعه تعداد افراد قانونمند و منضبط بیشتر باشد و مردم به حقوق همدیگر بیشتر احترام بگذارند از

زندگی سالم‌تری برخوردار خواهند بود. علاوه بر رعایت قوانین رسمی، مراعات آداب و رسوم و اخلاق اجتماعی نیز در حفظ ارکان جامعه حائز اهمیت است. از آن‌جا که زندگی اجتماعی انسان‌ها در مقایسه با زندگی اکثر حیوانات بسیار پیچیده‌تر است، نظم اجتماعی برای این پیچیدگی یک عامل حیاتی است. اگر در شبکه وسیع روابط اجتماعی، هنجارها رعایت نشوند، زندگی اجتماعی مختل و جامعه عملاً فلج می‌شود (رفیع پور، ۱۳۸۲، ص ۱۸۷).

از دیدگاه نهج البلاغه علاوه بر لزوم پیروی و اجرای احکام و قوانین الهی در جامعه، پیروی از آداب و رسوم و عادات صحیح اجتماعی، نیز برای حفظ ارکان جامعه و پیشبرد اهداف آن ضروری است. به بیان دیگر مدارا و همراهی با اخلاق و روش‌های پسندیده مردم، تا آن‌جا که با دین منافات نداشته باشد در وحدت مردم و بهبود روابط اجتماعی مؤثر است. توضیح کامل این موضوع، تحت عنوان هنجارهای مفید و لزوم پیروی از آن ارائه گردیده است.

۱-۳- هنجارهای مفید و مضر

با وجود نقش بسیار مهم هنجارها در زندگی اجتماعی انسان، همه هنجارها برای فرد و جامعه مفید نیستند، از این رو هنجارها به دو گروه هنجارهای مفید و هنجارهای مضر تقسیم بندی می‌شوند.

اینکه هنجارها مفیداند یا مضر بستگی به این دارد که آیا آن‌ها روابط اجتماعی را در مسیر ارضای نیازهای فطری به طور صحیح تنظیم می‌کنند تا انسان‌ها با ارضای نیازهای خود به شکوفائی و تعالی برسند یا نه؟ رعایت قوانین راهنمائی و رانندگی یک هنجار مفید است. حال اگر سرپیچی از بعضی از این قواعد همگانی شود یک هنجار مضر خواهد بود که باعث مختل شدن ترافیک و بروز مشکلات دیگر خواهد شد. در این صورت بی‌هنجاری به یک هنجار تبدیل خواهد شد (رفیع پور ۱۳۸۲ ص ۱۸۷ و ۱۸۸)

ابتدا آنچه از به کار بردن لفظ هنجار به ذهن متبادر می‌شود نقش مثبت آن است و این به خاطر تاثیر خوبی است که رعایت هنجارها بر زندگی فرد و جامعه دارد. در فرازهای مذکور از نامه ۵۳ نهج البلاغه اهمیت هنجارهای مفیدی که باعث وحدت جامعه و اصلاح امور مردم می‌شود، مشخص گردیده است.

ذکر صفت "صالحه" و "فاضله" برای "سنة" در این نامه تأکید بر وجود دو نوع هنجار و لزوم پیروی از هنجارهای مفید است. در این بخش نمونه‌هایی از سخنان امام (ع) در این رابطه بیان می‌شود:

۱-۴- هنجارهای مفید و لزوم پیروی از آن

الف- هماهنگی با اخلاق و رسوم مردم

از جمله فوائد پیروی از هنجارهای اجتماعی و همراهی با مردم به خصوص نسبت به هنجارهایی که جزو عادات و اخلاق آنان قرار گرفته، ایجاد همبستگی و وحدت بین اعضاء جامعه و پیشگیری از اختلاف و دشمنی است.

«هماهنگی در اخلاق و رسوم مردم، ایمن ماندن از دشمنی و کینه‌های آنان است.» (حکمت ۴۰۱)

ب- اهمیت بعضی از آداب و رسوم

اقوام و گروه‌های اجتماعی، آداب و رسوم خاصی برای برگزاری مراسم مانند مراسم ازدواج، میهمانی، عزاداری و اعیاد دارند. این آداب و رسوم، علاوه بر ایجاد نظم و برنامه هماهنگ برای مردم، زیبایی و جلوه خاصی به برگزاری این گونه مراسم می‌دهد، برای مثال خرید در آستانه ازدواج و تهیه جهیزیه، باعث جذابیت امر ازدواج و کاهش اضطراب و نگرانی‌های عروس و داماد شده است، و بخش قابل توجهی از نیازهای آنان را برای شروع زندگی برطرف می‌کند.

«و آداب زیورهای همیشه تازه‌اند.» (حکمت ۵)

دو سنت (هنجار یا رسم) پسندیده در بین ما ایرانیان، خانه تکانی و دید و بازدید در نوروز است. این دو، از آیین‌هایی است که اسلام آن را پذیرفته و حتی بر آن توصیه و تأکید کرده است. نظافت و پاکیزگی در دین اسلام اهمیت خاصی دارد. با وجود امکانات محدود زمان ظهور اسلام، وجوب وضو و غسل و طهارت بدن و لباس از شروط قبولی عباداتی چون نماز قرار گرفت؛ و نماز، اعم از واجب و مستحب، عبادتی است که مؤمنان، در طول شبانه روز هر چند ساعت یا چند دقیقه یک بار با آن سرو کار دارند. لزوم پاک بودن خوراکی‌ها. مسواک کردن، داشتن ظاهر آراسته و تمیز، غسل‌های مستحب، استحبات شستن دست‌ها قبل از غذا و به طور کلی سیره پیامبر (ص) و آیات و احادیث بسیار در این زمینه، از جمله آیه شریفه «وَتَيَّابِكُمْ فَطَهَّرْ» (۴/۷۳) «و لباست را پاک کن» بر اهمیت پاکیزگی در دین اسلام دلالت دارند. از این جهت خانه تکانی، از مراسمی است که مورد تأیید شرع است.

دید و بازدید موجب تحکیم و تجدید روابط مؤمنان، با یکدیگر و به خصوص با اقوام می‌شود و تا زمانی که موازین شرعی در آن رعایت شود موجب خیر و برکت در زندگی مردم خواهد بود. در نهج البلاغه صله رحم بلافاصله پس از پذیرش دعوت حق ذکر شده است: «مردم! هیچ کس بیش از من در پذیرش دعوت حق شتاب نداشت و چون من کسی در صله رحم و بخشش فراوان تلاش نکرد». (خطبه ۱۳۹)

ج - صرف نظر از خواسته‌های شخصی به خاطر حفظ عزت و احترام در بین مردم
توصیه امام (ع) به افراد جامعه این است که هر چند بعضی از کارها مورد علاقه و خواست شخصی آنان باشد، دید مردم را نسبت به آن امر مهم‌تر از خواسته‌های شخصی خود بدانند: «ازکاری که تو را خشنود و عموم مسلمانان را ناخوشایند است بپرهیز. از هر کار پنهانی که در آشکار شدنش شرم داری بپرهیز کن. از هر کاری که از کننده آن پرسش کنند، نپذیرد یا عذرخواهی کند، دوری کن و آبروی خود را آماج تیر گفتار دیگران قرار نده». (نامه ۳/۶۹ و ۴)

در این بخش امام (ع) به اموری اشاره فرموده‌اند که باعث حفظ احترام و آبروی مؤمن در بین مردم است. البته در انجام واجبات و ترک محرمات گرچه در مواقعی، خوشایند عامه مسلمین نباشد، مسلماً وظیفه طبق احکام شرع است.

توصیه دیگر این است که انسان، سعی کند در امور خود ضمن اولویت دادن موازین شرعی، شرایط جامعه و تحلیل و برداشت مردم (حرف مردم) را نیز لحاظ کند و خود را در معرض بگو مگوها و یا تهمت دیگران قرار ندهد: «(اگر) کسی در انجام کاری که مردم خوش ندارند شتاب کند، در باره او چیزی خواهند گفت که از آن اطلاعی ندارند». (حکمت ۳۵)

حفظ آبرو (آبروداری) از انگیزه‌ها و عوامل بسیار مؤثر در کنترل اعمال و رفتار و شیوه زندگی مردم است. با اینکه تقویت این انگیزه و تشویق افراد جامعه به حفظ آبروی خود و دیگران برای بهبود روابط و اصلاح امور، لازم است، اگر این موضوع جدای از دیگر اعتقادات لحاظ شود منجر به تظاهر، اسراف، چشم و هم‌چشمی و مشکلات دیگر می‌گردد. بخشی از مشکلاتی که اکنون در جامعه ما در امر ازدواج، مسکن، میهمانی‌ها و تحصیلات وجود دارد از این قبیل است. اصولاً همه منهیات شرعی گرچه جزو هنجارهای اجتماعی شده باشد به ضرر افراد و جامعه است.

«هیچ اطاعتی از مخلوق در نافرمانی پروردگار روا نیست». (حکمت ۱۶۵)
جامعه‌شناسان یکی از عواملی که موجب پیروی مردم از هنجارهای اجتماعی می‌شود را نیاز به احترام و حفظ آبرو می‌دانند (رفیع پور، ۱۳۸۲، ص ۲۳۳).

د- جواز تعصب ورزیدن نسبت به هنجارهای پسندیده

تعصب بیجا و ناآگاهانه امری منفی و مذموم است و زیان‌هایی برای فرد و جامعه به همراه دارد؛ ولی تعصب نسبت به هنجارهای پسندیده اشکالی ندارد. امام (ع) در بخشی از سخنان خود، ابتدا صفات نیک مخاطبان را متذکر شده، تقویت می‌کند و بعد صفات نیک دیگر را به آنان توصیه می‌نماید و در ادامه ایشان را از مرتکب شدن به

آنچه مایه عذاب و بدبختی است بر حذر می‌دارند: « پس اگر در تعصب ورزیدن ناچارید، برای اخلاق پسندیده، افعال نیکو، و کارهای خوب تعصب داشته باشید. همان افعال و کرداری که انسان‌های با شخصیت و شجاعان خاندان عرب و سران قبائل در آن‌ها از یکدیگر پیشی می‌گرفتند». (خطبه ۱۹۲)

ه- تأکید بر حسن معاشرت

مؤمنان آگاه و متعهد می‌توانند ضمن حفظ شئون اسلامی با حسن معاشرت در جامعه (مردمداری) و همراهی با مردم در اخلاق و عاداتشان و احسان و نیکی در حق آنان، موجبات سعادت و سلامت جامعه خود را فراهم آورند و الگو و مبلغ خوبی برای اسلام باشند. «با مردم آن‌گونه معاشرت کنید که اگر مرید بر شما اشک ریزند و اگر زنده ماندید با اشتیاق سوی شما آیند». (حکمت ۱۰)

۱-ه- هنجارهای مضر و پیامدهای پیروی از آن

در هر جامعه یا گروهی از انسان‌ها ممکن است اعمال ناپسند، گناهان، و ناهنجاری‌ها شایع شود و به صورت هنجار در آید. این نوع هنجارها هنجارهای مضرند که پیروی از آن به زیان فرد و جامعه است. در این رابطه موارد زیر، تبیین و بررسی می‌شود:

الف- برخی از هنجارهای اجتماعی مضر

ب- پیامد هنجار شدن گناهان و مفساد.

ج- تدابیر امام (ع) در مورد هنجارهای مضر.

الف - برخی از هنجارهای اجتماعی مضر

- اتحاد مردم در گناه و فساد

بدترین شرایطی که می‌توان برای یک جامعه تصور کرد زمانی است که مردم در گناه و فساد با یکدیگر متحد شوند و خوبان و پاکان در آن جامعه مورد آزار و اذیت قرار گیرند. از جمله این مفساد، شکستن قوانین خدا و دروغ است. هر اندازه انسان

احکام خدا را زیر پا گذاشته، مرتکب گناه شود به همان اندازه از دین خدا جدا گردیده است، هر چند که ظاهراً مسلمان باشد: «مردم در شکستن قوانین خدا دست در دست هم گذاشتند و در جدا شدن از دین متحد گردیدند و در دروغ‌پردازی با هم دوست و در راستگویی دشمن یکدیگر شدند». (خطبه ۱۰۸)

- تبانی و همدستی در ستمگری

گاهی افراد جامعه، در ظلم که همه جوامع آن را به عنوان عملی قبیح و ضد ارزش می‌شناسند مشارکت می‌کنند، مانند اتحاد قریش در دشمنی با رسول خدا و اصحاب او: «خویشاوندان ما از قریش می‌خواستند پیامبران (ص) را بکشند و ریشه ما را درآورند و در این راه اندیشه‌ها از سر گذراندند و هر چه خواستند نسبت به ما انجام دادند و زندگی خوش را از ما سلب کردند» (نامه ۹)

ب- پیامد هنجارهای مضر

امام (ع) در خطبه صد و هشت که اشاره به متحد شدن مردم در شکستن قوانین الهی، جدا شدن از دین و دروغ‌پردازی دارد، آثار این ناهنجاری را چنین بیان می‌کنند: «و چون چنین روزگاری می‌رسد، فرزند با پدر دشمنی ورزد و باران خنک کننده گرمی و سوزش آورد، پست فطرتان همه جا را پر می‌کنند، نیکان و بزرگواران کمیاب می‌شوند». (خطبه ۱۰۸/۱).

با توجه به مضامین این خطبه بعضی از عواقب هنجارهای مضر بدین قرار است:
 ۱. عدم امکان تربیت صحیح. ۲. نزول بلا و گرفتاری. ۳. جابه‌جایی ارزش‌ها. ۴. فراوانی دروغ و سلب اعتماد در جامعه.

۱. عدم امکان تربیت صحیح

در چنین جوامعی تعلیم و تربیت فرزندان بسیار دشوار است، زیرا اولاً والدینی که خود به قوانین و شئون اخلاقی پایبند نیستند معمولاً نمی‌توانند در تربیت فرزندان خود موفق باشند. ثانیاً هر چند پدر و مادر معتقد و متعهد باشند، امکان تأثیر شرائط

محیطی در اخلاق و رفتار فرزندان بسیار زیاد است، چه ارزش ها و انتظارات در چنین خانواده‌ای با ارزش ها و انتظارات جامعه مغایرت دارد و این امر موجب بد بینی و اختلاف بین اعضاء خانواده می‌شود. علت اختلاف و دشمنی در خانواده‌های گروه اول می‌تواند دروغ، خیانت و دیگر مفاسد اخلاقی باشد.

۲. نزول بلا و گرفتاری

نزول بلا در اثر گناهان و مفاسد از موضوعاتی است که در قرآن کریم نیز به آن تصریح شده است: «فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است؛ خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند شاید (به سوی حق) باز گردند». (۴۱/۳۰)

اصولاً نعمت‌های الهی اگر به جا و در مسیر حق استفاده نشود و صرف گناه گردد به نعمت و عذاب تبدیل می‌گردند.

۳. جابه‌جایی ارزش ها

مصادق بارز جابه‌جایی ارزش ها، بی ارزش شدن جان انسان‌ها و ارزشمند شدن قلدری و غرور نزد اکثر حاکمان جهان است؛ در حالی که حقیقتاً ارزش حیات انسان به قدری است که خداوند آن‌چه را در آسمان و زمین است مسخر او گردانید.

علامه جعفری (ره) در مورد نظریه توماس هابس مبنی بر "انسان گرگ انسان است" نوشته است. «اگر منظور توماس هابس از انسان گرگ انسان است، همین انسان هایی اند که عقل و وجدان و احساس و عاطفه را از دست داده‌اند، قطعی است که توماس هابس از گروه مردم خوش بین بوده است که انسان بی‌شرم‌تر از گرگ و قبیح‌تر از این حیوان را گرگ نامیده و اهانت غیر قابل اغماض به گرگ نموده است». (جعفری، ۱۳۶۸، ج ۱۹، ص ۱۳۶)

۴. فراوانی دروغ و سلب اعتماد در جامعه

خصوصیت دیگر جامعه نابهنجار فراوانی دروغ است که خود موجب تباهی ها و بدبختی های مضاعف می گردد. دروغ راه گناهان و مفساد دیگر را باز می کند، زیرا افراد، هموعان خود را با دروغ و ریا می فریبند و از این طریق و به دلیل عدم وجود آرامش و اطمینان، آسیب های عمیقی به اعضای جامعه وارد می شود.

ج- تدابیر و راهکارهای امام (ع) در قبال هنجارهای مضر

آگاهی دادن نسبت به هنجارهای مضر و علل شیوع آن در جامعه، آثار پیروی از هنجارهای مضر بر فرد و جامعه، نصایح حکیمانه به مردم، قاطعیت امام (ع) نسبت به برخوردهای لازم، از جمله تدابیر ایشان در این رابطه بود.

- آگاه کردن مردم نسبت به هنجارهای مضر

از آن جا که معمولاً پیروی از هنجارها برای انسان مفید بوده است، در بسیاری از مواقع مردم به مفید بودن یا مضر بودن هنجار فکر نمی کنند و اگر از علت کار آن ها سؤال شود می گویند همه همین کار را انجام می دهند. حتی اگر به مضر بودن هنجار هم پی ببرند به دلایل واهی، از آن پیروی می کنند. به همین دلیل بیان هنجارهای مضر و عواقب سوء آن موجب کنترل فساد و انحراف در جامعه است. بخش هایی از نهج البلاغه در مورد این موضوع در قسمت مربوط به هنجارهای مضر بیان شد. دو نمونه دیگر در این رابطه ذکر می شود:

امام (ع) در مخالفت با یکی از عادات نادرست مردم، مطالبی را بیان داشتند تا مردم علت مخالفت ایشان را با آن اخلاق جاهلی بدانند و توجه داشته باشند که پیروی از هنجارهای اجتماعی، می بایست آگاهانه و با توجه به کارکرد و مفید بودن هنجار صورت گیرد.

« امام (ع) (سر راه صفین دهقانان شهر انبار تا امام (ع) را دیدند پیاده شدند و پیشاپیش آن حضرت می دویدند) فرمود: چرا چنین می کنید گفتند: عادت است که پادشاهان خود را احترام می کردیم. فرمود: به خدا سوگند که امیران شما از این کار

سودی نبردند و شما در دنیا خود را با آن به زحمت می‌افکنید و در آخرت دچار رنج و زحمت می‌گردید. چه زیانبار است رنجی که عذاب در پی آن باشد و چه سودمند است آسایشی که با آن امان از آتش جهنم باشد» (حکمت ۳۷)

نمونه دیگر در این رابطه زمانی است که امام (ع) در مسیر بازگشت از جنگ صفین به محله شبامیان رسیدند و گفتگویی با حرب بن شرحبیل شبامی بزرگ قبیله شبامیان داشتند. چون حرب پیاده و امام سوار بر اسب می‌رفتند، به او فرمود: باز گرد که پیاده رفتن رئیس قبیله‌ای چون تو پشت سر من، موجب انحراف زمامدار و زبونی مؤمن است (حکمت ۳۲۲).

- تشویق مردم به نیکوکاری

از نصایح امام (ع) در جهت تشویق مردم به متابعت از پاکان و صالحان در مواجهه با هنجارهای مضر اجتماعی چنین است: «در روزگاری هستید که خوبی به آن پشت کرده و می‌گذرد و بدی بدان روی آورده، پیش می‌تازد و طمع شیطان در هلاکت مردم بیشتر می‌گردد. کجایند خوبان و صالحان شما؟ کجایند پرهیزگاران در کسب و کار؟ کجایند پاکیزگان در راه و رسم مسلمانی؟» (خطبه ۲/۱۲۹)

۲- ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها

در مقدمه ارتباط بین ارزش و هنجار بیان شد. در این قسمت نیز ضمن توضیح مفهوم ارزش، منشأ و انواع آن، این ارتباط مشخص‌تر می‌شود.

۲-۱- ارزش

"ارزش" در فارسی اسم مصدر از ارزیدن و به معانی بها، ارز، قیمت، ارج، قدر، برازندگی، شایستگی، قابلیت و استحقاق، آمده است. (دهخدا، ۱۳۳۷، ج ۵، ص ۱۸۱؛ معین، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۹۹)

در هر جامعه‌ای مفاهیم مقدس و قابل احترامی وجود دارد: چون آزادی، عدالت، علم دوستی، حق پرستی و... این مفاهیم مقدس و مورد احترام را "ارزش اجتماعی"

می گویند. بر اساس این ارزش ها رفتارهایی در جامعه شکل می گیرد که به آن ها هنجار اجتماعی می گویند، بنابراین اگر علم و علم دوستی ارزش اجتماعی است درس خواندن و سواد آموزی یک هنجار اجتماعی محسوب می شود. ادامه حیات هر جامعه منوط به رعایت این ارزش ها و هنجارها توسط افراد جامعه است (ربانی و شاهنوشی، ۱۳۸۵، ص ۸۳).

وجود ارزش ها در جامعه موجب هدفمند شدن بسیاری از اعمال و رفتار افراد در جامعه می شود. حتی احساس رضایتمندی باطنی در مسیر کسب ارزش ها یا شرمساری و عذاب وجدان در اثر عدم رعایت یا محرومیت از آن هاست. هنجارهای اجتماعی (به خصوص توسط مسئولان و رهبران) با تقویت و یا تضعیف ارزش ها کنترل می شود و به این وسیله جامعه را به سوی اهداف خاص هدایت می کنند.

۲-۲- منشأ ارزش ها

ارزش ها می توانند منشأ گوناگون داشته باشند. نیاز، مهمترین منشأ ارزش است، مانند نیاز انسان به غذا که به مواد غذایی و کشاورزی ارزش می دهد. در مورد ارزش های دینی نیز می توان گفت نیازهای مختلف روحی و جسمی انسان موجب گرایش او به پرستش معبود می شود.

هنجار شدن یا عادت داشتن به یک موضوع نیز می تواند نزد بسیاری از افراد موجب باارزش شدن آن موضوع شود. کمیابی نیز منشأ ارزش است: گرسنگ همه لعل درخشان بودی پس قیمت لعل و سنگ یکسان بودی (گلستان سعدی ۲۲۷)

۲-۳- انواع ارزش ها

الف- دریک تقسیم بندی، جامعه شناسان از جمله دکتر رفیع پور ارزش ها را به مطلق، نسبی و مضر تقسیم بندی کرده اند.

«برخی از ارزش های اجتماعی در ارتباط با ویژگی های حیات اجتماعی جوامع مختلف نسبی اند، مثل این که پدیده ای در یک جامعه به عنوان ارزش اجتماعی تلقی شود و در جامعه دیگر این طور نباشد یا حتی ضد ارزش باشد یا حتی در یک جامعه از قشری به قشر دیگر فرق داشته باشد.

تردید نیست که بسیاری از ارزش های موجود در یک جامعه در پی یک بررسی دقیق و علمی، استدلال کافی برای مطلق بودن نخواهند داشت، اما در عین حال استدلال های بسیار قوی نیز برای ارزش های مطلق وجود دارد. هر آن چه بدن یک انسان برای سالم زیستن از نظر جسمی لازم دارد، مانند میزان مشخص اکسیژن، تغذیه، ویتامین و نهایتاً سلامت، برای او با ارزش است که نه فقط از نظر تحلیلی و منطقی، بلکه از نظر تجربی نیز در همه زمان ها و مکان ها پذیرفته شده یعنی "مطلق" است.» (رفیع پور، ۱۳۸۲، صص ۲۸۷ و ۲۸۸).

ب- از نظر دیگر می توان ارزش ها را به دو نوع تقسیم بندی کرد: ارزش های حقیقی و ارزش های کاذب (ارزش های مضر)، زیرا بعضی چیزها در حقیقت برای انسان مفید و ارزشمندند و بعضی دیگر گر چه ظاهراً مفیدند و جزو ارزش های جامعه ای محسوب شوند، در اصل زیانبارند. در این تقسیم بندی همه ارزش های الهی جزو ارزش های حقیقی محسوب می شوند. اگر انسان ها این ارزش ها را درک کنند و بپذیرند و رفتارهای خود را بر طبق آن تنظیم کنند از آثار خوب آن بهره مند می شوند.

از آن جا که نیاز منشأ بسیاری از ارزش هاست این نکته قابل تأمل است که آیا هیچ گاه انسان در مورد نیازهای خود اشتباه نمی کند؟ آیا هر آن چه نسبت به آن احساس نیاز کند، در حقیقت به آن نیازمند و آن چیز واقعاً ارزشمند است؟ مشکلات اخلاقی و روحی، وجود هنجارهای مضر در جامعه و عدم اطلاعات کافی نسبت به نیازهای واقعی و ارزش های مفید، از علل بروز نیازهای کاذب است.

نیازهای کاذب (مخالف با نظام آفرینش) سبب تولید هنجارها و ارزش های مضر می شوند، مانند ارزش های اقوام لوط و عاد و ثمود. در جوامع کنونی، تنوع طلبی افراطی در مدل های لباس، اتومبیل و لوازم زندگی و ارزش های دیگر در بین گروه های خاص مثل معتادان، از ارزش های مضراند.

۲-۴- ارزش ها از نظر نهج البلاغه

به دلیل فرا زمان و فرا مکان بودن دین مبین اسلام، ارزش های مطرح شده در آن، ارزش های مطلق اند. اگر بعضی از آن ارزش ها را (مانند حج) به لحاظ تعریف جامعه شناختی آن نتوان از ارزش های مطلق به حساب آورد، به یقین جزو ارزش های حقیقی محسوب می شوند، زیرا اولاً اصول این ارزش ها، در ادیان دیگر الهی مورد پذیرش بسیاری از جوامع بشری مطرح گردیده است و ثانیاً مطابق با عقل و فطرت انسان و نیازهای واقعی اوست. نهج البلاغه از منابع اصیل اسلام است که بسیاری از بخش های آن تفسیر آیات قرآن کریم یا در ارتباط با آن آیات و با احادیث معتبر دیگر است. در این مقاله تقوا، که اساس نهج البلاغه بر آن نهاده شده است، به عنوان اولین ارزش مطرح گردیده و در ادامه، متناسب با ظرفیت مقاله موضوعات بعدی ارائه گردیده است.

۲-۴-۱- تقوا

نقش کلیدی و اساسی "تقوا" در حفظ ارکان اجتماع و سعادت فرد و جامعه بر کسی پوشیده نیست. در جامعه شناسی این موضوع با عنوان "مراقبت درونی" مطرح می شود و آن را از مؤثرترین عوامل پیروی از هنجار می دانند (نک: ملوین ال. دفلور و سایرین ۱۳۷۱، ص ۱۱۷).

البته مفهوم تقوا گسترده تر از مفهوم جامعه شناختی مراقبت درونی است. به هر حال تقوا یک خصوصیت و حالت درونی است که موجب می شود افراد به طور خودجوش و با احساس مسئولیت از هنجارهای خاصی پیروی کنند. آیه: «إِنْ أَكْرَمَكُمْ

عندالله أتقاكم» (۱۳/۴۹) «گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقوی‌ترین شماست» مشهورترین و صریح‌ترین آیه قرآن کریم است که ارزش تقوا را نزد خداوند تبارک و تعالی بیان می‌کند و گویای ذومراتب بودن تقوا نیز است.

از آنجا که تقوی موجب رعایت دیگر مسائل اخلاقی است در این باره فرمود:
«تقوا در رأس همه ارزش‌های اخلاقی است.» (حکمت ۴۱۰)

خطبه همام توصیف متقینی است که به درجات بالایی از تقوا نائل شده‌اند. در این خطبه پس از اشاره به آفرینش انسان‌ها و جایگاه‌های مختلفشان به بیان صفات متقین پرداخته‌اند.

«فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ...» (خطبه ۱۹۳) «اما پرهیزکاران در دنیا دارای فضیلت‌های برترند، گفتارشان راست است...».

صفاتی که در این خطبه مطرح شده اعم است از خصوصیات اخلاقی، رفتاری فردی و اجتماعی متقین، که قطعاً مرتبط به هم می‌باشند. نحوه ارتباط با مردم، ناشی از طرز تفکر، اعتقادات و حالات درونی فرد است. مسلماً کسی که خدا را خالصانه عبادت می‌کند و قلب خود را متوجه صفات نیک پروردگارش می‌نماید به همان نسبت سعی می‌کند در اعمال و رفتار خود رضایت معبود را جلب نماید. بهبود رابطه انسان با خدا موجب بهبود رابط انسان با مردم است. این دو نوع ارتباط در کلام امام (ع) پس از ذکر **أَمَّا اللَّيْلُ وَ أَمَّا النَّهَارُ** بیان شده است: «وَأَمَّا اللَّيْلُ...» (پرهیزکاران در شب بر پا ایستاده مشغول نمازند. قرآن را جزء جزء و با تفکر و اندیشه می‌خوانند).

متقین شب هنگام به عبادت خدا مشغولند و قرآن را جزء به جزء با تفکر و تدبیر تلاوت می‌کنند، به گونه‌ای که داری دردهای خود را در قرآن می‌یابند. مشکلات فردی و اجتماعی خود را به وسیله آیات و معارف قرآن برطرف می‌نمایند. خوفی که از تلاوت آیات عذاب در وجودشان پدید می‌آید مانع از مبتلا شدن آنان به حرام و فساد و تزییع حق دیگران می‌گردد. اشتیاقی که برای رسیدن به بهشت و حضور در بارگاه

ربوبی، با مرور بر آیات مربوطه، پیدا می‌کنند آنان را به نیکوکاری و خدمت به جامعه برمی‌انگیزد.

«وَأَمَّا النَّهَارُ...» به سبب جایگاه رفیع بردباری، علم، نیکوکاری و تقوا، در قرآن کریم است که متقین در روز دانشمندانی بردبار و نیکوکارانی با تقوی هستند. از دیگر صفات متقین که در سلامت جامعه و احساس امنیت مردم بسیار مؤثر است این است که متقین نه تنها راستگویند (دروغ نمی‌گویند) بلکه سخنانی دارند که به صلاح مردم و موجب برپایی حق است. حرف زشت از دهانشان خارج نمی‌شود و افراد را با القاب زشت نمی‌خوانند. گفتار و کردارشان با هم هماهنگ است. این خصوصیات در بین جملات دیگر خطبه عنوان شده که می‌تواند تفسیر جمله مَنطَقُهُم الصَّوَابُ باشد.

پرهیزکاران شکرگزار نعمت های الهی و شادمان از فضل و کرم اویند و در راه هدایت با نشاطند «ونشاطاً فی هدی». این شادابی به دیگر اعضای جامعه منتقل می‌شود و عامل پیشگیری از بیماری های روحی مانند افسردگی است. البته آنان در شادی و نشاط و همچنین در غم و اندوه متعادل‌اند، نه سرمست و مغرور از نعمت های الهی می‌شوند و نه به هنگام مصیبت جزع و فزع کرده، خود را می‌بازند

متقین به اندازه کافی و با رعایت حقوق دیگران از مواهب الهی در دنیا استفاده می‌کنند: و به طور متعارف و معقول در حفظ آبروی خویش می‌کوشند. (نامه ۲۷)

تأثیرات مثبت اعمال صالح مانند نماز، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، تحصیل علم، زمانی بر جامعه مترتب می‌شود که با تقوا و نیت خالص همراه باشد «إِنَّمَا يَنْتَقِلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (۲۷/۵) «خدا تنها از پرهیزکاران می‌پذیرد»

رابطه تقوا با ایمان مانند رابطه ایمان با عمل صالح دیالکتیک و فزاینده است. به هر میزان که تقوا افزایش یابد ایمان عمیق‌تر می‌شود و بالعکس هر اندازه که ایمان در جان انسان بیشتر رسوخ کند نتیجه آن افزایش میزان تقوا است. اجراء امر به معروف

موجب انجام دیگر اعمال صالح و تقویت ایمان است و تقویت ایمان موجب بهبود اجراء امر به معروف. از این جهت پس از "تقوا" ارتباط ایمان و عمل صالح و نقش امر به معروف تبیین می‌شود.

۲-۴-۲- ایمان به همراه عمل صالح

ارزش و اهمیت ایمان از این جهت است که ایمان موجب هدفمند شدن زندگی انسان و ارزشمند شدن اعمال اوست. ایمان در بین همه جوامع بشری از ارزش خاصی برخوردار است، هر چند موضوعاتی که مردم به آن ایمان دارند بعضاً متفاوت- اند یا گاهی مردم در یافتن مصادیق آن موضوعات دچار اشتباه می‌شوند. (مانند ایمان به شفاعت بت‌ها نزد خداوند) به هر حال ایمانی که به اعمال و رفتار انسان ارزش می‌دهد، ایمان به حقیقتی است که توسط عقل و فطرت پاک انسان و به راهنمایی فرستادگاه حق به دست می‌آید و هیچ باطلی در آن راه ندارد. ایمان راستین و اعمال صالح تأثیرات متقابل و مثبت بر یکدیگر دارند. ایمان هدایت‌کننده به سوی اعمال صالح و اعمال صالح تقویت‌کننده ایمان است.

« با ایمان می‌توان به اعمال صالح راه برد و با اعمال نیکو به ایمان می‌توان

دسترسی پیدا کرد، با ایمان علم و دانش آبادان است. » (خطبه ۳/۱۵۶)

در قرآن کریم علاوه بر آیات متعددی که به وضوح بر ارتباط ایمان و عمل صالح دلالت دارند در سوره مبارکه فاطر فرموده است: «الَّذِي يَصْعَدُ الْكَلِمَ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ رَفْعُهُ» (۱۰) «سخنان پاکیزه به سوی او صعود می‌کند و عمل صالح آن را بالا می‌برد». کلم طیب به اعتقاد حق و پاک تفسیر شده است. (طباطبایی ج ۱۷، ص ۲۹)

مهمترین ارزش‌های حقیقی و بخشی از تأثیرات مثبت آن بر فرد و جامعه در خطبه صد و ده نهج البلاغه به صورت مختصر و پربار بیان شده و در رأس آن ایمان و جهاد (عمل صالحی که نشأت گرفته از ایمان است) را عنوان نموده است: «همانا بهترین چیزی که انسان‌ها می‌توانند با آن به خدای سبحان نزدیک شوند، "ایمان" به

خدا و پیامبر(ص) و "جهاد" در راه خداست که جهاد، قلبه بلند اسلام و "یکتا دانستن خدا" بر اساس فطرت انسانی است. و بر پاداشتن "نماز" آیین ملت اسلام و پرداختن "زکات" تکلیف واجب الهی و "روزه" ماه رمضان سپری برابر عذاب الهی است. و "حج و عمره" نابود کننده فقر و شستشو دهنده گناهان اند». (خطبه ۱۱۰) در این خطبه "پیوند با خویشاوندان" سبب طول عمر و افزونی مال، "صدقه‌های پنهانی" نابود کننده گناهان و **صدقه‌های آشکار** باز دارنده مرگ های ناگهانی و زشت معرفی شده اند.

در قرآن کریم و در احادیث دیگر نیز خواص ایمان و اعمال صالح به بیانات متنوع ذکر شده است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (۹۶/۱۹) «مسلماً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند خداوند رحمان محبتی برای آنان در دل ها قرار می دهد».

در این قسمت به سه نکته اساسی دیگر از خطبه ۱۱۰ که می‌تواند منشأ بسیاری از نیکی ها باشد اشاره می‌شود.

۱- مداومت یاد خدا در همه شئون زندگی:

چه عظمتی برای روح آدمی بالاتر از یاد خدا بودن

ای بلبل جان مست ز یاد تو مرا	وی مایه غم پست ز یاد تو مرا
لذات جهان را همه یکسو فکند	حالی که دهد دست ز یاد تو مرا

(جعفری، ۱۳۶۷، ج ۲۰، ص ۱۲۷)

۲- پیروی از راه و روش پیامبر اکرم (ص) ۳- یادگیری و فهم قرآن کریم.

۲-۴-۳- امر به معروف و نهی از منکر

هر جامعه برای اجرای قوانین و مقررات و پیروی اعضای آن از هنجارها، نیاز به مراقبت های رسمی (مانند دادگاه و پلیس) و غیررسمی (تنبیه و تشویق مردم درمورد یکدیگر) دارد. این نوع مراقبت ها در اصطلاح دین همان امر به معروف و نهی از منکر است. انجام این امر، با رعایت شرایط آن باعث به وجود آمدن یک نظارت عمومی و

مراقبت خودجوش در بین مؤمنان، جهت پیروی از هنجارهای دینی و اجتماعی و تشکیل جامعه‌ای سالم و ایده‌آل است.

مؤمنان باید برای خدا و با در نظر گرفتن شرایط امر به معروف و نهی از منکر آن را وظیفه خود بدانند و از خسارت‌های احتمالی نترسند و ملاحظه جان و مال و موقعیت خود را نکنند، زیرا همه آن‌ها به دست خداوند است: «همانا امر به معروف و نهی از منکر دو صفت از اوصاف پروردگارانند که نه اجل را نزدیک می‌کنند و نه روزی را کاهش می‌دهند». (خطبه ۶/۱۵۶)

۲-۴-۴- علم

علم به معنای دانش و دانستن، همچنین تعلیم و تعلم از ارزش‌های مطلقه است که در دین اسلام بسیار بر آن تأکید شده است. در نهج البلاغه به انحاء مختلف، به این موضوع پرداخته شده و مردم را به فراگیری علوم تشویق کرده است:

تنها در خطبه همام چهار مرتبه در رابطه با علم متقین و اهتمام آنان نسبت به فراگیری علوم سخن به میان آمده و در هر مورد نکته مهم و قابل توجهی بیان گردیده است. مثال: «و گوش‌های خود را وقف دانش سودمند کرده‌اند». (۳/۱۹۳)

ذکر صفت نافع برای علم اشاره به این مطلب است که متقین وقت خود را برای علمی صرف می‌کنند که از یاد گرفتن آن به نفع خود و جامعه استفاده کنند. با توجه به تقسیم‌بندی‌هایی که برای علوم انجام شده است، از جمله: علم ادیان و علم ابدان، علم حکمی و غیر حکمی، می‌توان گفت علم در تقسیم‌بندی دیگر به دو گروه عقلی و تجربی تقسیم می‌شود و منظور امام (ع) از این جمله، همه علوم عقلی و تجربی است که برای انسان مفید باشد و در رأس آن قرآن کریم قرار دارد. البته ملازمت با تقوی در همه علوم شرط اصلی مفید بودن آن است، چنان‌که این کلام حضرت نیز در مورد متقین است.

۲-۴-۵- عدالت اجتماعی

عدالت از ارزش های مطلق است. همه جوامع بشری در طول تاریخ به ارزش عدالت اعتراف و اذعان دارند و از دیرباز شعار اکثر رؤسا و حکام آنان (ولو عادل نبودند) بوده است. از خصوصیات بارز امام علی (ع) عدالت خواهی و قاطعیت ایشان در اجرای عدالت است. برای مثال برخورد حضرت با برادرشان عقیل که داستان مشهوری است و از زبان خودشان در نهج البلاغه ذکر شده، بیان می شود:

«به خدا سوگند! برادرم عقیل را دیدم که به شدت تهیدست شده و از من درخواست داشت تا یک من از گندم های بیت المال را (گندم های شما را) به او ببخشم. کودکانش را دیدم که از گرسنگی دارای موهای ژولیده و رنگشان تیره شده است، گویا با نیل رنگ شده بودند. پی در پی مرا دیدار و درخواست خود را تکرار می کرد.» (خطبه ۳/۲۲۴)

توصیه امام (ع) به کارگزاران خود نیز رعایت عدالت در بین مردم است: «"عدالت" را بگستران و از ستمکاری پرهیز کن که ستم رعیت را به آوارگی کشاند و بیدادگری به مبارزه و شمشیر می انجامد.» (حکمت ۴۷۶)

با این که امام (ع) رهبری عادل و حکیم بود، اجرای کامل عدالت در جامعه و ادامه حکومت عدل مستلزم همیاری و همکاری اقشار مختلف جامعه است. اصولاً رسالت رهبران الهی گسترش عدالت توسط خود افراد جامعه است. در سوره مبارکه حدید هدف از ارسال رسل و انزال کتب و میزان را قیام مردم به عدالت، بیان فرموده است.

«ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آن ها (کتاب آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.» (۲۵/۵۷)

۲-۴-۶- حق گرایی

یکی دیگر از خصوصیات بارز امام علی (ع) حق گرایی است. و در مورد افراد حق گرا فرمود: «همانا برترین مردم در پیشگاه خدا کسی است که عمل به حق نزد او دوست داشتنی تر از باطل باشد، هر چند از قدر او بکاهد و به او زیان رساند و باطل به او سود رساند و بر قدر او بیفزاید». (خطبه ۶/۱۲۵ و ۷)

هر زمان بین ارزش های واقعی با منافع شخصی و یا با ارزش های اجتماعی مغایرت به وجود آید، طرح ارزش های واقعی (مطلق)، سبب کنترل نسبی افراد جامعه نسبت به پیروی از هنجارهای مضر می شود.

۲-۴-۷- وحدت

وحدت، از ارکان زندگی اجتماعی انسان است. افراد یک جامعه با همبستگی و اتحاد می توانند نیازهایشان را تأمین کرده، به اهدافی دست یابند که به تنهایی به هیچ وجه قابل دستیابی نیستند. ده ها نمونه از کلام علوی (ع) مستدل و مفصل مقوله "وحدت" را تبیین کرده است. به خصوص در خطبه "قاصعه"، آثار و نتایج وحدت و همچنین پیامدهای شوم اختلاف و پراکندگی را شرح داده و مصادیقی از امت هایی که متحد یا متفرق بوده اند را مثال آورده اند. تا آنجا که ارزش وحدت را از هر ارزشی گرانقدرتر و از هر کرامتی والاتر می داند:

«در حالی که خداوند بر این امت اسلامی با وحدت و برادری منت گذارده بود که در سایه آن زندگی کنند. وحدت، نعمتی است که هیچ مخلوقی ارزش آن را نمی داند. زیرا از هر ارزشی گران قدرتر و از هر کرامتی والاتر است». (خطبه ۱۰۳/۱۹۲)

۲-۴-۸- صبر

نقش صبر در بالا بردن استقامت انسان برای حفظ ایمان، عمل صالح و تقویت نیروی تعاون و تعامل در امور جامعه بسیار اساسی است.

«ایمان بدون شکیبایی چونان بدن بی سر، ارزشی ندارد». (حکمت ۸۲) در این رابطه در قرآن کریم آمده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و هوس‌ها) استقامت کنید و در برابر دشمنان نیز پایدار باشید و از مرزهای خود مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید». (۲۰۰/۳)

۲-۴-۹- عقل

عقل به مفهوم کلی آن که جامع انواع عقل ابزاری، عقل عملی و عقل نظری است، از نعمتهایی است که خداوند با اعطای آن به انسان او را از دیگر حیوانات متمایز کرد. عقل است که انسان را به سوی پیامبران الهی و راههای صحیح زندگی هدایت کرده و او را از سقوط در بدبختی و هلاکت محافظت می‌کند.

«عقل تو را کفایت کند که راه گمراهی را از رستگاری نشانت دهد». (حکمت ۴۲۱)

عقل، پیامبر درون و از ارزشمندترین نعمت‌های الهی است، زیرا انسان به کمک عقل منافع دیگر مادی و معنوی را کسب می‌کند.

۲-۴-۱۰- سایر ارزش‌ها

- دعا تأثیرات چشمگیری در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد و موجب امیدواری او به رحمت پروردگار در بروز مشکلات و گرفتاری‌هاست.

«و امواج بلا را با "دعا" از خود برانید». (حکمت ۱۴۶)

دشمنی با ستمگر و یاورستم‌دیده بودن، نظم در امور زندگی، ایجاد صلح و آشتی، رسیدگی به یتیمان و جلوگیری از تضييع حق آنان، خوشرفتاری با همسایگان و رعایت حقوق آنان از ارزش‌هایی است که در نامه ۴۷ مذکور است.

- خوش اخلاقی، سکوت، پاکدامنی و نصیحت‌پذیری نیز از فضائل است که در

کلام علوی عنوان شده است: (حکمت‌های ۳۸، ۲۲۴ و ۴۷۴)

- دنیا و آخرت: ارزش دنیا نسبت به افراد متفاوت است و به اندازه‌ای است که

بتوانند از آن برای آخرت توشه بگیرند. به هر حال ارزش دنیا نسبی و ارزش آخرت مطلق است. دنیایی که نکوهیده و مذموم است دنیایی است که آخرت انسان را خراب کند و جز رنج و بدبختی دست‌آوردی برای انسان نداشته باشد. در نهج البلاغه آمده است: وقتی امام (ع) خانه مجلل و وسیع علاء ابن زیاد را دید فرمود: «با این خانه وسیع در دنیا چه می‌کنی در حالی که در آخرت به آن نیازمندتری؟!». (خطبه ۲۰۹)

در ادامه خطبه امام (ع) برادر علاء را که از دنیا کناره‌گیری کرده بود مذمت کرد و فرمود پنداری خداوند نعمت‌های پاکیزه‌اش را حلال کرد اما دوست ندارد تو از آنها استفاده کنی؟!.

بیان هر کدام از ارزش‌های مطلق، و تبلیغ و ترویج آن، به همراه معرفی الگوهای نمونه در پیشگیری از جایگزین شدن ضد ارزش‌ها بر ارزش‌های واقعی، مؤثر است. مثلاً مطرح شدن "تفکر" به عنوان برترین علم، ذکر جایگاه ویژه تفکر در قرآن کریم و روایات ائمه معصومان (ع)، معرفی اندیشمندانی چون حضرت ابراهیم (ع)، آموزش درست اندیشیدن به همراه معرفی الگوهای معاصر و عینی، می‌تواند در پیشرفت علوم و فنون مورد نیاز و حل مسائل و مشکلات مربوط به آن علوم مانند رقابتهای ناسالم با عواقب سوء آن، که به خصوص در جامعه ما وجود دارد، مؤثر باشد.

۲-۵- ضد ارزش‌ها و ارزش‌های مضر از نظر نهج البلاغه

در فرازهایی از نهج البلاغه که در مورد ناهنجاری‌های اجتماعی عنوان شد به طور ضمنی بعضی از ضد ارزش‌ها و ارزش‌های مضر که دامنگیر جامعه و یا گروهی از مردم شده بود نیز بیان گردید. به طور کلی هر آن چه بر خلاف نیازهای واقعی بشر بوده و وجود آن به زیان فرد و جامعه باشد و با این حال نزد گروهی دارای قدر و ارزش شود "ارزش مضر" است، مانند ارزش سخن چین و بدکار، نزد بعضی از مردم: «روزگاری بر مردم خواهد آمد که محترم نشمارند جز سخن چین را و خوششان نیاید جز از بدکار هرزه و ناتوان نگردد جز عادل». (حکمت ۱۰۲)

چیزی که بر خلاف ارزش ها، نقض کننده آن و یا به طور کلی موجب زیان و فساد انسان باشد ضد ارزش است، مانند: "باطل"، "ظلم"، "دروغ" "تفرقه" و "جهل" که در مقابل حق، عدل، راستی، و علم قرار دارد.

در این قسمت به دلیل پرهیز از اطاله کلام از توضیح این موارد صرف نظر کرده و به این نکته اکتفا می‌شود که هرچند ذکر ارزش ها و ضد ارزش ها از نظر اسلام، به تنهایی در ترویج فرهنگ صحیح و معقول، مؤثر است، برای تبدیل شدن ارزش ها به هنجار و به الگوهای رفتار می‌بایست فرایند این تغییر و تحول و عوامل و شرایط پیروی و عدم پیروی از هنجارها را مورد مطالعه قرار داد که به دلیل عدم گنجایش این مقاله انشاء الله موضوعات مذکور در مقاله‌های بعدی تبیین می‌شود.

نتیجه‌گیری

نهج البلاغه مرجعی غنی برای دستیابی به روش‌هایی مطمئن جهت چگونگی مواجهه با مسائل اجتماعی و رفع مشکلات جامعه است. تفقه در دین و آشنایی با علوم جدید در کنار یکدیگر می‌تواند در بهره‌گیری از علوم الهی کمک شایان بنماید. هنجارها شامل هنجارهای مفید و مضر (سنت‌های پسندیده و ناپسند) است. "عرف" بخشی از هنجارهای مفید اجتماعی است که ملاک صدور بعضی از احکام شرع قرار می‌گیرد. مفهوم معروف و منکر و کاربرد بسیار این دو واژه در معارف دین و وجوب امر به معروف و نهی از منکر از نظر اسلام، بر اهمیت بررسی و مطالعه هنجارهای اجتماعی دلالت دارد. ارزش اجتماعی واقعیت‌ها و اموری را تشکیل می‌دهد که مطلوبیت دارند و مورد خواست و آرزوی اکثریت افراد جامعه است. همین ارزش‌ها پایه و اساس رفتارهایی قرار می‌گیرد که به آن هنجار می‌گویند. در بین انواع ارزش‌ها ارزش‌های الهی حقیقی‌اند. ترویج این ارزش‌ها و حاکم شدن آن بر هر جامعه، امنیت، پیشرفت

و خوشبختی افراد آن جامعه را به همراه دارد.

تحقیق و بررسی هنجارها و ارزش های اجتماعی نیاز به مطالعات گسترده و عمیق در متون دینی و تاریخی، علوم جامعه‌شناسی و در سطح جامعه دارد. این مطالعات می‌تواند احکام شرع، هنجارهای مفید اجتماعی و ارزش های حقیقی (دینی) را با روش های علمی جدید جایگزین هنجارهای مضر و ضد ارزش ها بنماید. از نظر نهج البلاغه حفظ آداب و رسوم و عادات صحیح مردم (هنجارهای اجتماعی) موجب انتظام، وحدت و تقویت ارکان جامعه است. و پیروی از هنجارهای مضر، به ضرر افراد و حتی منجر به سقوط جامعه می‌شود.

منابع

- ابراهیم مصطفی، احمدحسن زیات؛ حامد عبدالقادر، محمدعلی النجار، *المعجم الوسيط*، چاپ چهارم، استانبول، انتشارات دارالدعوة، ۱۹۸۹.
- تونجی، محمد؛ *المعجم الذهبی*، دمشق، المستشاریه الثقافیه للجمهوریه الاسلامیه الايرانیه بدمشق، ۱۹۹۳.
- جعفری محمد تقی؛ *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷.
- دشتی، محمد؛ *ترجمه نهج البلاغه علی (ع)*، چاپ ششم، قم، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین، انتشارات الهادی، ۱۳۸۴.
- دهخدا، علی اکبر؛ *فرهنگ دهخدا*، چاپ اول، تهران، چاپ سیروس، ۱۳۳۷.
- ربانی، رسول، و شاهنوشی، مجتبی؛ *مبانی جامعه شناسی*، چاپ دوم، تهران، انتشارات آوای نور، ۱۳۸۵.
- رفیع پور، فرامرز؛ *آنا تومی جامعه*، چاپ سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار لیتوگرافی کاوه نو، ۱۳۸۲.
- زمانی، مصطفی؛ *ترجمه نهج البلاغه امام علی (ع)*، چاپ اول، انتشارات برهان، ۱۳۷۰.

- سیاح، احمد؛ فرهنگ سیاح، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۶۸.
- طباطبائی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
- طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران، انتشارات کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵.
- قرائی مقدم، امان الله؛ مبانی جامعه شناسی، چاپ دوم، تهران، ناشر: ابجد، ۱۳۷۷.
- مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات قرآن الکریم، چاپ اول، تهران، مرکز انتشارات آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۵.
- معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- ملوین ال- دفلور و سایرین؛ اقتباس حمید خضر نجات، مبانی جامعه شناسی، چاپ اول، چاپخانه دانشگاه شیراز، ۱۳۷۱.
- موسوی همدانی، سید محمد باقر؛ ترجمه تفسیر المیزان، چاپ پنجم، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.